

علم أصول الفقه

٢٢ ٩١-٩-٢٥ مبادئ مختص تصديقي

دراسات الأستاذ:
مهدي الهادي الطهراني

دلیل حجیت ظهورِ زمانِ صدور

- ممکن است اشکال شود این مطلب با مضمون بعضی روایات سازگاری ندارد. در بعضی روایات آمده است که برخی آیات را مردم آخر الزمان درک می‌کنند و معنای آنها را به درستی می‌فهمند. آیات سوره‌ی توحید و برخی آیات سوره‌ی حدید و حشر از این جمله شمرده شده‌اند. اگر زمینه‌ی فهم این معانی در زمینه‌ی صدور وجود داشته، این روایات چگونه تفسیر می‌شوند؟

دلیل حجیت ظهورِ زمانِ صدور

- در جواب این اشکال باید توجه کنیم که اگر بخواهیم مطالب شرعی را معنا نماییم، اولاً باید آن را در فضای گفته‌های خود شارع و ثانیاً در فضای مدرکات عقلی در نظر بگیریم. اگر عبارت شارع را گسیخته از همه‌ی بیانات وی و گسیخته از ادراکات عقلی، تفسیر نماییم، چه بسا معنایی مغایر با نظر شارع به دست آوریم.

دلیل حجیت ظهورِ زمان صدور

- درست است که ظاهر این روایات بیان می‌دارد که معنای برخی آیات را مردم زمان نزول نمی‌فهمند و این مردم آخر الزمان هستند که به معانی این آیات پی می‌برند، اما اگر این مطلب را کنار آیاتی که قرآن را هدایت، فرقان، تبیان، نور معرفی می‌کند، قرار دهیم، به نتیجه‌ی دیگری دست می‌یابیم. آن نتیجه چنین است:

دلیل حجیت ظهورِ زمانِ صدور

- ظاهر این آیات در همان زمان هم قابل فهم بوده است، اما فهم مطالب عمیق و دقیق آیات نیازمند به اطلاعات وسیع تری داشته که برای مردم آن زمان ممکن نبوده است. مسلم آنچه در بحث ما مهم است ظهور آیه است که در آن زمان هم قابل فهم بوده و ما به دلیل همین ظهور می توانیم به آیه استناد کنیم؛ اما تبیین عمیق آیه خارج از محل بحث ما است.

دلیل حجیت ظهورِ زمانِ صدور

- به طور مثال این که خداوند تبارک و تعالی اول و آخر است، معنایی است که مخاطبان اولیه هم درک می‌کردند؛ اما چگونگی اول و آخر بودن خداوند، بحثی فلسفی است که معنایش با تحقیقات خاص معلوم شده است و شاید حتی امروزه بسیاری، معنای عمیق و دقیق آن را نفهمند یا در تبیینی که از معنا عرضه می‌کنند، با هم اختلاف داشته باشند.

دلیل حجیت ظهورِ زمانِ صدور

- در واقع این بحث ناظر به آن است که خداوند هم مبدء خلقت است و هم منتهای آن و غایت فعل خداوند چیزی جز خود او نیست و این همان چیزی است که انا لله و انا الیه راجعون به آن دلالت می‌کند. فیلسوفان فلسفه‌ی اسلامی برای تبیین این معنا به توضیح قوس نزول و قوس صعود پرداخته و کیفیت صعود و نزول را شرح کرده‌اند.

دلیل حجیت ظهورِ زمان صدور

- بنابراین در حیطةی ارتباط لفظ با معنا، مراد از آیه روشن و واضح است و همه حتی مخاطبان اولیه آن را درک می‌کردند. اختلاف فهم در آنجا است که به تبیین معنای آیات پرداخته می‌شود. هر کسی ممکن است آنچه در تبیین معنا عرضه می‌کند، با دیگری متفاوت باشد. منشأ این اختلاف، اطلاعات متفاوت افراد است. از این رو، چه بسا تحلیل مکاتب فلسفی و عرفانی و کلامی در این زمینه با هم فرق داشته باشد، اما همه در معنای ظاهری آیات اتفاق نظر دارند.

دلیل حجیت ظهورِ زمانِ صدور

- بدیهی است حروف مقطعه‌ای که در ابتدای بعضی سوره‌ها قرار دارد، از این بحث خارج است؛ زیرا در مورد این حروف چند احتمال وجود دارد:
- ۱. این حروف رموزی است که فقط خواص از بندگان خدا از مفهوم آن اطلاع دارند.
- ۲. این حروف فاقد معنای خاصی هستند و خداوند با بیان آنها به این مطلب اشاره دارد که قرآن از همین حروف مورد استفاده‌ی انسان، تشکیل شده است.

دلیل حجیت ظهورِ زمانِ صدور

- بنا بر احتمال اول، همه و از آن جمله مخاطبان اولیه، از فهم معانی حروف مذکور عاجز بوده و هستند و احتمال دوم چیزی است که همه درک می‌کنند و فهم آن بر کسی پوشیده نیست. پس بین مردم (مخاطبان اولیه و مخاطبان بعدی) از این جهت فرقی نیست.

دلیل حجیت ظهورِ زمانِ صدور

- . تفسیر در اینجا به معنای وسیع کلمه که در قبل هم توضیح دادیم، مراد است.
- . حدید، ۳.

نظریه قبض و بسط تئوریک شریعت

- در مقابل مبنای سوم که معیار حجیت را ظهور زمان صدور قرار می‌دهد، نظریه‌ای مطرح شده است که معیار حجیت را ظهور زمان فهم معرفی می‌کند. نظریه قبض و بسط تئوریک شریعت از ابعاد مختلف قابل طرح است؛ اما از آنجا که ابعاد دیگر نظریه، محل بحث ما نیست، این نظریه را فقط از بُعد استظهارات مورد مطالعه قرار می‌دهیم.

نظریه قبض و بسط تئوریک شریعت

- این نظریه در حوزه‌ی استظهار از الفاظ چنین نتیجه می‌گیرد:
- ظهوری حجت است که شخص مدرک در زمان ادراک و فهم خویش از عبارت استفاده می‌کند، نه ظهوری که در زمان صدور نص، زمینه‌ی فهمش وجود داشته است.
- بنا بر این نظریه، اگر عبارتی امروز معنایی دارد و صد سال پیش معنای دیگری داشته و هزار سال پیش معنی سومی، آن معنایی ظاهر از عبارت و در نتیجه درست است که امروز فهمیده می‌شود، نه معنای صد سال و هزار سال پیش.

نظریه قبض و بسط تئوریک شریعت

- نظریه قبض و بسط برای رسیدن به این نتیجه، از ارکان و مقدماتی کمک می‌گیرد. آنها عبارتند از:
- ۱. دین امری مغایر و متفاوت با معرفت دینی است. مراد از مغایرت، غیر هم بودن آنها است؛ نه تنافی و تضاد آنها با یکدیگر. دین و معرفت دینی دو چیز هستند که امکان دارد معرفت دینی با دین منطبق باشد و ممکن است نباشد.

نظریه قبض و بسط تئوریک شریعت

- در واقع معنای غیریت یک شیء با شیءای دیگر ضرورتاً عدم تطابق آن دو بر هم نیست. صورت یک شیء در ذهن ما با خود شیء مغایر است و آنها دو تا هستند؛ اما این گونه نیست که صورت بر صاحب صورت منطبق نباشد. به طور مثال درخت عینی و خارجی رشد می‌کند، اکسیژن می‌گیرد، دی اکسید کربن پس می‌دهد و... و صورت ذهنی آن اگرچه ممکن است با درخت منطبق باشد؛ اما امری متفاوت با آن است. به تعبیر منطقی وجود ذهنی درخت غیر از وجود عینی و خارجی او است.

نظریه قبض و بسط تئوریک شریعت

- آنچه نظریه عهده دار بیان آن است، دوئیت بین دین و معرفت دینی است. در این نظریه برای توضیح این دوئیت از یک تشبیه استفاده می‌شود که از منابع دیگر اخذ شده است. دین در آنجا به طبیعت تشبیه شده که امری مغایر با شناخت طبیعت است.

نظریه قبض و بسط تئوریک شریعت

- ۲. معرفت دینی، معرفت بشری است. یعنی همانند سایر معارف انسان، جزو معرفت‌هایی است که برای بشر پیدا می‌شود.
- ۳. معارف بشری با یکدیگر ارتباط دارند و از هم گسیخته نیستند.

نظریه قبض و بسط تئوریک شریعت

- ۴. معارف بشری تغییر و تحول می یابند. بشر یک چیزهایی را قبلاً نمی دانسته، اکنون پی می برد، یا قضاوت ها و داوری هایی داشته که الآن تغییر کرده است.
- ۵. معارف بشری تکامل پیدا می کنند. تکامل اخص از تحول است. بنابراین اگر در رکن چهارم ادعا می شود که معارف بشری تغییر پیدا می کنند و تحول می یابند، در این رکن بیان می گردد که این تحول جهت خاص دارد. آن جهت، جهت تکاملی است. بشر همواره به واقعیت نزدیک تر می گردد و همواره معرفت او دقیق و دقیق تر می شود.

نظریه قبض و بسط تئوریک شریعت

- بر اساس این مقدمات که ما آنها را ارکان نظریه می‌نامیم، هر چه معارف بشر روزآمدتر باشد، معرفت دینی امروزی‌تر و در نتیجه دقیق‌تر است.

نظریہ قبض و بسط تئوریک شریعت

- اما قبل از این که به توضیح و نقد نظریہ پردازیم، باید به چند نکته توجه نماییم:
- ۱. اگر مقصود نظریہ این است که به هر حال ممکن است اطلاعات جدید بشر، اطلاعات دینی او را تحت تأثیر قرار دهد و در صورت دقیق بودن این اطلاعات، معرفت دینی تصحیح و دقیق تر می شود (یعنی فی الجمله معارف بشری باعث تغییر معارف دینی و احیاناً تکامل و تصحیح آنها می شوند)، این سخن، سخن درستی است و هیچ کس با چنین مفهومی مخالفت ندارد؛ در نتیجه جای بحث هم باقی نمی ماند. زیرا اینها اموری هستند که قیاساتشان با خودشان همراه است - قضایا قیاساتها معها - و ما به عیان شاهد آنها هستیم.

نظریه قبض و بسط تئوریک شریعت

- اما چیزی که این نظریه را به عنوان یک نظریه مطرح می‌سازد، امری فراتر از اینها است و آن عبارت است از این که:
- کاروان معرفت بشری به صورت قهری به سمت جلو در حرکت است و بشر دایم به واقعیت نزدیک-تر می‌گردد. معرفت دینی نیز از این کاروان جدا نیست و با آن مرتبط است. اگر همراه این کاروان نشود، معرفتی ناقص خواهد بود.

نظریه قبض و بسط تئوریک شریعت

- هم پایی معرفت دینی با معرفت بشری به این است که بشر به قصد به دست آوردن آخرین اطلاعات، حوزه‌های مختلف بشری را جست-وجو کند. یافتن آخرین اطلاعات، به صورت قهری معرفت دینی او را تغییر می‌دهد و کامل‌تر و دقیق‌تر از معرفتی می‌گرداند که بر اساس معارف و اطلاعات بشری قبلی سامان یافته بود. هر کس از این کاروان جا بماند، معرفتش با نقصان روبه-رو است. بنابراین برای پرهیز از این نقصان، چاره‌ای جز این ندارد که با کاروان معارف بشری همراه گردد.

نظریه قبض و بسط تئوریک شریعت

- در اثر این دیدگاه، ضرورتاً معرفت دینی کسی که اطلاعاتش در مسایل غیر دینی، جدیدتر است، از معرفت کسی که اطلاعاتش در آن مسایل به آن حد جدید نیست، بهتر و دقیقتر است. مثلاً کسی که از علم فیزیک امروزی بهره‌مند است، شناخت دقیق‌تر و کامل‌تری از دین دارد، تا کسی که فیزیک نیوتنی می‌داند.
- به عبارت دیگر معرفت انسان‌های امروزی نسبت به دین، دقیق‌تر و صحیح‌تر و کامل‌تر از انسان‌های گذشته است.

نظریه قبض و بسط تئوریک شریعت

- ما فعلاً این بحث را در حد نظریه قبض و بسط مطرح می‌کنیم؛ چراکه بعد از این نظریه، نظریه‌های دیگری مطرح شد که به نتایجی افراطی-تر از این نظریه منتهی گردید.
- نظریه قبض و بسط می‌تواند ادعا کند به فهم انسان‌های عادی نظر دارد و اینها هر قدر اطلاعاتشان در علوم عادی بشری روزآمدتر باشد، حایز معرفت دقیق‌تری از دین هستند.

نظریه قبض و بسط تئوریک شریعت

- نظریه‌های بعدی در این حیظه باقی نماندند و بحث را به گونه‌ای مطرح کردند که حتی معصومان علیهم السلام را نیز شامل می‌شد. بنا بر این نظریه‌ها ضرورتاً معرفت انسان‌های امروزی نسبت به دین، به مراتب کامل‌تر از انسان‌های گذشته - حتی معصومان علیهم السلام - است. بسط تجربه‌ی نبوی از جمله‌ی این نظریه‌ها است که به معرفت رسول اکرم صلی الله علیه و آله می‌پردازد.

نظریه قبض و بسط تئوریک شریعت

- طبیعتاً بنا بر نظریه قبض و بسط، فهم هر انسانی از آثار گذشتگان و علی الخصوص متون دینی - که محل بحث ما است - فهمی عصری است.
- یعنی فهم هر انسانی با فهم زمان خودش هم عصر است. او باید از نصوص دینی آنچه را بفهمد که در زمان خودش فهمیده می‌شود، نه آن گونه که در گذشته فهمیده می‌شد یا زمینه‌ی فهمش وجود داشت.

نظریه قبض و بسط تئوریک شریعت

- ظهوری که هم اکنون از متون دینی به دست می آوریم و مربوط به زمان ما است، نسبت به ظهوری که در زمان های گذشته از این متون به دست می آمده، کامل-تر و نزدیک-تر به واقعیت است.
- یعنی ظهور زمان فهم تقدم دارد بر ظهور زمان صدور؛ زیرا این ظهور در ارتباط با معارف پیشرفته تری حاصل شده است.